

## کوه یخ را کامل ببین!

مهم ترین ویژگی هومیوپاتی اینست که بدون کسب اطلاعات و دانش درباره ی آن نمی توان انتظار بهبودی کامل داشت، امری که در پزشکی رایج کاملاً عکس است. بر همین اساس، با یکی از محققان حوزه ی هومیوپاتی (که دوره ی آموزشی این دانش را گذرانده است) گفت و گو کردیم. «سبا حسینیان» پزشک نیست و به همین دلیل نمی تواند در ایران برای بیماران خود داروی هومیوپاتی تجویز کند، هر چند به گفته ی خودش، صرفاً به فلسفه این علم علاقه دارد و فعالیت درمانی جزو اولویت هایش نیست اما اجازه دارد در کشور های دیگر به درمان نیز بپردازد. مادر او سال ها پیش یک بیماری لاعلاج را با هومیوپاتی درمان کرد و همین اتفاق، انگیزه ای برای او شد تا به تحقیق درباره ی این رشته بپردازد. نتیجه ی خواندن این گفتگو، کسب شناختی ابتدایی است از هومیوپاتی و یافتن پاسخی برای بعضی از پرسش ها؛ پس توصیه می شود که اگر به شیوه ی کار این روش درمانی علاقه مند شده اید، بیشتر بخوانید، بیشتر بپرسید و در کل بیشتر بدانید.

### هومیوپاتی روشی برای تشخیص بیماری ست یا روشی برای درمان؟

هر دو؛ البته در هومیوپاتی چیزی به نام بیماری نداریم که بر اساسش به تعاریفی دست بزنیم بلکه «افراد بیمار» داریم. به همین دلیل گفته می شود که هومیوپاتی از فلسفه کل نگری ناشی شده است. پس هم روش تشخیص و هم روش درمان در آن، متفاوت است.

روش تشخیصی هومیوپاتی به این صورت است که «فرد بیمار» مورد توجه است و نه بیماری او، برای درمان فرد نیز «فرد بیمار» تحت درمان قرار می گیرد. منظوری از فرد، ویژگی خلقی و رفتاری، نوع تفکر، احساسات، علایق، ذائقه، ساعت خواب و دیگر مختصات رفتاری و فکری اوست که شخصیتش را تشکیل می دهد. هر انسانی در هومیوپاتی می تواند در حالت شخصیت سالم یا شخصیت بیمار باشد. وقتی بیمار می شود، بیماری آن شخصیت خاص، خود را در کبد، کلیه، قلب یا دیگر اندام ها نشان می دهد. به همین دلیل در هومیوپاتی، شخصیت فرد را تشخیص می دهیم و نه بیماری او را.

درباره ی روش درمان نیز هومیوپات، شخصیت فرد را که به حالت بیمار درآمده، درمان می کند. اگر احساسات، تفکر یا ارگان های بدنش بیمار شده باشد، همه با هم تحت درمان قرار می گیرند.

### در دوره های آموزشی، چه علمی به هومیوپات آموزش داده می شود؟

در قسمت دانش پزشکی رایج، یک هومیوپاتی باید آناتومی و فیزیولوژی بدن را بشناسد، پاتولوژی بیماری را باید از دیدگاه متفاوتی بداند، داروهای پزشکی متعارف را بشناسد و چون بیشتر افراد سابقه ی درمان های شیمیایی دارند، لازم است که یک هومیوپات این موضوع را در نظر داشته باشد و بداند عوارض سوء داروها چیست تا بتواند آن ها را از بیماری متمایز کند. یک قسمت از آموزش هم مختص خود هومیوپاتی است، ولی از دیدگاه منحصر به خودش؛ مثلاً در هومیوپاتی ما شخصیت شناسی داریم ولی دیدگاه، دسته بندی ها و زوایای آن با روان شناسی متفاوت است و از بعد دیگری به انسان نگاه می کند. روان شناسی از خلق و خو، رفتار و روان انسان گفتگو می کند، ولی در هومیوپاتی صرفاً این بعد نیست؛ مثلاً شناخت یک آدم از بررسی علاقه

ی او به یک نوشیدنی شروع می شود تا مدل واکنش های او و حتی خواب هایی که می بیند. به همین دلیل، دیدگاه هومیوپاتی نسبت به روان شناسی تفاوت دارد. در علم هومیوپاتی تا کنون بیش از چهار هزار نوع شخصیت تشخیص داده شده و البته این دایره، محدود نیست. هر انسانی شخصیت منحصر به فردی دارد که خاص خود اوست.

از جمله علمی که باید در هومیوپاتی مطالعه شود، فلسفه این علم است که دستاورد کاشف هومیوپاتی است؛ او فیلسوفی آلمانی بود که حدود ۲۷۰ سال قبل، فلسفه و اصول هومیوپاتی را نوشت. منابع دیگر آموزشی، کتاب هایی است که مرجع به حساب می آیند و علائم و مشخصات و بیماری های هر فرد در آن ها آمده است. هومیوپات باید روی این کتاب ها اشراف بالایی داشته باشد.

اگر کسی این علوم را در کالج هومیوپاتی بخواند فارغ التحصیل می شود؛ ولی این علوم اصلاً کافی نیست و در کنار آن ها شناخت ماهیت و موجودیت انسان بسیار لازم است. این شناخت با کسب دانش یا سر کلاس رفتن به دست نمی آید، مهارت و توانایی درونی نیاز دارد و لزوماً هر آدمی که هومیوپاتی را آموخت، واجد این بینش نمی شود.

**آیا در کشور های دیگر هم مثل ایران، قوانینی هست که فقط به کسانی اجازه ی درمان از طریق هومیوپاتی داده شود که در یکی از رشته های پزشکی تحصیل کرده اند؟**

در بعضی کشور ها همین شرایط هست؛ اما در برخی دیگر، فرد بعد از تکمیل تحصیلات در رشته ی هومیوپاتی و گذراندن امتحان، اجازه طبابت می گیرد، مثلاً در انگلیس، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و هند، صرفاً با تحصیل در رشته هومیوپاتی، اجازه ی طبابت داده می شود.

**دریافت های یک هومیوپات از ظاهر هر آدم مثل پوست، مو و ... چقدر در شناخت او از شخصیت بیمار موثر است؟ چقدر باید به پرسش و پاسخ هایی اتکا کند که بین هومیوپات و مراجعه کننده رد و بدل می شود؟**

ایم موضوع یکی از قسمت های بسیار زیبا و البته خطرناک هومیوپاتی است؛ هر سیستمی که با انسان سر و کار دارد به تشخیص هم نیازمند است و این موضوع به توانایی خود فرد وابسته است، هر چند اصول و دانش های بنیادی هست، ولی سهم عمده، به میزان توانایی خود شخص برمی گردد، در عین این که هومیوپاتی با یک تشخیصی درست ( بر اساس مشاهده های هومیوپات) می تواند بسیار کارا باشد. منوط به آن که هومیوپات برداشت ها، قضاوت ها و طرز فکر شخصی خود را پیش نکشد و بتواند فقط بر اساس اصول و قوانین تعریف شده جلو برود. هومیوپاتی، کاراست؛ اما این که هومیوپات بتواند خودش را از مهارتش تفکیک کند؛ معیارها، مبانی فکری و تربیتی شخصی اش را تحمیل نکند و بر اساس اصول هومیوپاتی کارش را انجام دهد، کار بسیار سختی است. به همین دلیل خیلی مهم است که فرد بیمار، کدام هومیوپات را انتخاب کند: متخصصی که هومیوپاتی را عمیقاً می شناسد یا آدمی که هومیوپاتی را ابزاری می داند برای معرفی خودش؟ در این شرایط، هومیوپاتی تأثیری دوگانه می یابد؛ روی یک بیمار تأثیراتی مخرب بر جا می گذارد که جلوی بهبود او را می گیرد و روی بیمار دیگری، تأثیر درمانی فوق العاده ای ایجاد می کند.

## منظور شما از تاثیراتی که جلوی بهبود بیمار را می گیرد، چیست؟

گفته می شود که هومیوپاتی تاثیرات مضر و مخرب ندارد اما گمانم این موضوع باید اصلاح شود؛ هومیوپاتی نیز مانند هر ابزار دیگری می تواند تاثیرات مخربی داشته باشد اما خبر خوش این است که تاثیرات مرگ آور ندارد، یعنی اگر داروی اشتباهی به کسی داده شود، خطر مرگ متوجه او نیست ولی می تواند بیمار را لاعلاج کند. این آدم حتی اگر بعد ها تحت درمان درست هومیوپاتی قرار گیرد، ممکن است به دلیل تخریب های گذشته، لاعلاج شده باشد. به همین دلیل برخی هومیوپات ها بیماری را که تحت نظر هومیوپات دیگری بوده و مدت طولانی درمان کرده و جواب نگرفته، نمی پذیرند.

## این دیدگاه در علم هومیوپاتی جدید است یا از ابتدای پیدایش هومیوپاتی چنین نظری وجود داشته مبنی بر این که روش های غلط درمان می تواند بیماری افراد را لاعلاج کند؟

این موضوع جدید نیست، در کتابی که «هانمن» به معرفی فلسفه و اصول هومیوپاتی اختصاص داده و «ارغنون» نام دارد، این موضوع نوشته شده با این تاکید که اگر بیمار به شکل مکرر تحت درمان غلط قرار گیرد، هر روش درمانی اعم از پزشکی رایج یا هومیوپاتی مانع از بهبود می شود و او را لاعلاج می کند.

## چه متخصصانی در دوره های آموزشی هومیوپاتی به دانشجویان تعلیم می دهند؟

هم پزشکان و هم هومیوپات ها مثلاً شخصیت شناسی را یک هومیوپات آموزش می دهد، چون شخصیت شناسی هومیوپاتی با روان شناسی متفاوت است و بر اساس دسته بندی های این علم نیست. هومیوپات تدریس آناتومی، فیزیولوژی و حتی پاتولوژی را بر عهده دارد چون نگاه یک هومیوپات به پاتولوژی و آسیب شناسی، با دیدگاه یک پزشک آلوپات متفاوت است. در این میان، پزشکی هم که هومیوپاتی را آموخته می تواند آموزش دهد، ولی به هر حال، معیار اصلی این است که استاد، هومیوپاتی بداند.

## آموزش هومیوپاتی در ایران در چه سالی و توسط چه کسی آغاز شد؟

دکتر مسعود ناصری اولین کسی بود که در سال ۱۳۷۳ شمسی دوره ی هومیوپاتی در ایران و در دانشگاه ارومیه برای گروهی از پزشکان برگزار کرد، به او «پدر هومیوپاتی ایران» هم می گویند. سپس شاگردان دکتر ناصری یا دیگرانی که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند، در ایران دوره های هومیوپاتی گذاشتند که عموماً برای پزشکان بود ولی غیر پزشکیانی مثل من هم می توانستند آموزش ببینند.

## در ایران چند مرکز آموزش هومیوپاتی وجود دارد؟

در کشور ما دوره های آزاد برگزار می شود؛ مراجع مختلف با همکاری مراکز علمی متفاوت، دوره های آموزشی هومیوپاتی را برگزار می کنند؛ ولی متأسفانه در ایران یک رشته ی تعریف شده ی دانشگاهی برای هومیوپاتی نداریم.

## درباره منشا و شکل داروهای هومیوپاتی (جامد یا محلول) توضیح دهید.

داروهای هومیوپاتی از منابع طبیعی گرفته می شوند؛ بعضی از آن ها از مواد معدنی تهیه می شوند، برخی منشا حیوانی و برخی منشا گیاهی دارند. گروهی از داروها نیز منشا غیر مادی دارند، مثلاً دارویی که تحت تاثیر اشعه ایکس تهیه می شود. بعضی از آن ها نیز از بافت های انسانی گرفته می شود مثلاً از ترشح غده ی تیروئید یا بافت بیمار زنده.

کلا دو نوع هومیوپاتی کلاسیک و مدرن داریم؛ در هومیوپاتی مدرن حتی از داروهای شیمیایی هم داروی هومیوپاتی تهیه می شود که این کار، خیلی مورد تایید هومیوپاتی کلاسیک نیست.

داروها به شکل جامد (گلبول) و همچنین محلول استفاده می شوند و خیلی با هم تفاوت ندارند و انتخاب هر یک، به سیستم درمانی هومیوپات بستگی دارد. در هومیوپاتی کلاسیک، بیشتر بر استفاده از گلبول تاکید شده و استفاده از محلول خیلی توصیه نمی شود مگر این که بیماری حاد باشد، چون جذب مایع توسط بدن خیلی سریع تر اتفاق می افتد.

## آیا پزشکان اختیار دارند که برای درمان بیماران، تمام انواع و اشکال داروها را به تشخیص خودشان تجویز کنند؟

بله؛ ولی هیچ هومیوپاتی در دنیا نیست که به تمام چهار هزار نوع داروی شناخته شده اشراف کامل داشته باشد، حقیقتاً هم لازم نیست که همه ی دارو ها را بشناسد ولی اگر به حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ دارو اشراف داشته باشد، می تواند بین ۶۰ تا ۷۰ درصد از مراجعان را مداوا کند. در صورت نایاب بودن یک دارو، هومیوپات می تواند سراغ دسته ای از داروها خاص برود.

## عمده ترین منبع تهیه دارو در هومیوپاتی چیست؟

بین ۶۰ تا ۷۰ درصد منابع دارویی ما از گیاهان هستند، منبع اصلی و بزرگ بعدی، مواد معدنی است و بعد آن، بزرگ ترین زمینه ی دارویی، در منابع جانوری است.

## آیا در ایران دسترسی به این منابع آسان است؟ آیا هومیوپات ها می توانند از داروهای تولید داخل استفاده کنند یا باید دارو را از کشورهای دیگر بیاورند؟

کلا هیچ کشوری نمی تواند تمام داروهای هومیوپاتی را انحصاراً تولید کند. مثلاً از گیاه بابونه برای تولید دارو استفاده می شود اما هر بابونه ای برای ساخت دارو مناسب نیست بلکه مناطق جغرافیایی خاصی با هوای سالم تر، محیط بکرتر و خاک بهتر وجود

دارد که بابونه با کیفیتی را پرورش می دهد. در کل، هر خطه ی جغرافیایی برای تولید انواعی از داروهای هومیوپاتی مناسب است. به همین دلیل، نمی توان گفت که گیاهان پرورشی در ایران لزوماً برای تولید داروی هومیوپاتی مورد تاییدند.

البته برخی گیاهان ایران برای این کار مناسب هستند اما در ایران کارخانه ی تولید داروی هومیوپاتی نداریم، داروخانه رسمی هومیوپاتی هم نداریم؛ حال آن که در خیلی از کشورهای اروپایی و آمریکایی، کانادا، هند، مالزی و برخی کشور های آسیایی داروخانه های هومیوپاتی وجود دارد. البته قطعاً در ایران پتانسیل خوبی هست برای تولید داروی هومیوپاتی که بالفعل نشده. توجه کنید که بخش قابل توجهی از گیاهان تاثیر گذار دارویی بدون فرآوری و به صورت خام صادر می شوند و قطعاً بخشی از آن ها در تولید داروهای هومیوپاتی در کشور های دیگر مورد استفاده قرار می گیرند.

### در ایران، داروهای مورد نیاز از چه طریقی تامین می شود؟

پزشک های هومیوپات که در کشور ما کار می کنند، داروهای خود را از کشورهایی تهیه می کنند که داروخانه ی هومیوپاتی دارند.

### یعنی داروهای هومیوپاتی به شکل خصوصی و توسط پزشکان وارد می شود؟

تا جایی که من می دانم، بله. ان شاء الله آیین نامه ی اجرایی نحوه ورود داروهای هومیوپاتی نیز به زودی تدوین شود.

### چند سوال هم درباره ی بیماریانی دارم که با هومیوپاتی آشنایی ندارند یا پس از انتخاب این روش درمانی با مشکلاتی مواجه می شوند. به نظر شما چرا هومیوپاتی در ایران فراگیر نشده است؟

دلایل زیادی دارد؛ بخشی از آن به خاطر عدم معرفی هومیوپاتی است. در کل، در تمام دنیا کسانی به سراغ درمان هومیوپاتی می روند که به اصطلاح به بن بست رسیده اند و معمولاً روش ها و سیستم های درمانی دیگر را امتحان کرده اند و جواب نگرفته اند و نا امید شده اند. در آخر به سراغ هومیوپاتی می آیند.

### انتخاب درمان با هومیوپاتی در مرحله ای که فرد به بن بست رسیده، کار درستی است؟

اتفاقاً یکی از دلایلی که باعث شده هومیوپاتی بعد از ۲۷۰ سال ادامه پیدا کند، این است که نتایج موفقیت آمیز و گاهی عجیب و غریبی درباره کسانی داشته که به آخر خط رسیده بودند؛ در واقع بسیاری از آن ها سلامت خود را باز یافته اند، به همین دلیل این علم هنوز پابرجا مانده حتی اگر شیوع پیدا نکرده باشد.

برخی از کسانی که درباره هومیوپاتی گفتگوی علمی دارند، می گویند که این روش، پایه علمی ندارد. خیلی ها به همین دلیل سراغ هومیوپاتی نمی روند. در حالی که این برداشت نیز به خاطر دانش کم و کمبود آگاهی به وجود آمده است. اگر کسی با

دید تحقیقی دنبال هومیوپاتی برود، می بیند که هومیوپاتی فلسفه، اصول و پایه های علمی محکمی دارد؛ اما در این باره خیلی گفت و گو نشده است.

کسانی که درباره ی هومیوپاتی آگاهی و سواد کافی ندارند، در اولین قدم می خواهند بدانند که داروهای هومیوپاتی چگونه کار می کند؟ در حالی که این موضوع به داروشناسی ارتباط دارد که شاخه ی بسیار کوچکی از هومیوپاتی است. هومیوپاتی یک روش تشخیصی و درمانی است و بُعد جدیدی از انسان را تعریف می کند. اگر این اصول درک شود، فرقی نمی کند که ابزار ما برای رسیدن به سلامتی چیست؛ می تواند داروی هومیوپاتی باشد یا روش های دیگر درمانی.

خیلی چیزها وجود دارند که قابل دیدن نیستند، اما به این دلیل که دیده نمی شوند نمی توان گفت که علمی هم نیستند. این موضوع، به چاله ای می ماند که خیلی ها در آن گیر می کنند و عاملی شده در جلوگیری از فراگیری هومیوپاتی.

**کسی که می خواهد روش درمانی هومیوپاتی را تجربه کند باید پشتوانه ی مالی معینی داشته باشد؟ اصلا چه اطلاعاتی باید کسب کند؟ پزشکان هومیوپاتی چقدر در دسترس او هستند؟**

هر هومیوپات (در هر کجای دنیا) هزینه ی متفاوتی برای درمان می گیرد ولی بر اساس تجربه ی من، هزینه درمان با روش هومیوپاتی نسبت به سیستم درمانی که ما به آن عادت داریم، بسیار کمتر است. یکی از دلایل این است که روش های تشخیص بیماری در هومیوپاتی متفاوت است، مثلا ممکن است یک هومیوپات به صورت موردی به آزمایش خون، سونوگرافی، MRI و ... نیاز داشته باشد، اما در بیشتر موارد برای تشخیص بیماری به این ابزارها نیازی نیست و بخش زیادی از هزینه های درمان تعدیل می شود. از سوی دیگر، داروهای هومیوپاتی نسبت به دیگر داروها ارزان هستند، بخصوص برای بیماری هایی که داروهای بسیار گرانی دارند؛ اما این که خود هومیوپات برای سیستم درمانی اش چه نرخی تعیین کند، به شخص او بستگی دارد و در مورد هر متخصص، متفاوت است.

### **داروهای هومیوپاتی حدودا چه قیمتی دارند؟**

مثلا سال گذشته در اروپا یک قوطی شامل ۱۰۰ گلبول (که برای درمان بیماری های یک نفر کافی است) هفت یورو بود. درباره ی دسترسی به دارو باید بگویم که بر اساس آموزش هایی که بنیانگذار هومیوپاتی داده است، رساندن دارو به بیمار وظیفه ی پزشک است، یعنی رساندن دارو دغدغه ی پزشک است و نه بیمار؛ اما دسترسی به پزشک در کشور های مختلف بر اساس این که چقدر این روش ترویج یافته، آسان یا دشوار است. در ایران، دسترسی به هومیوپات سخت نیست، ولی دسترسی به هومیوپات حاذق و هنرمند حقیقتا بسیار سخت است؛ در همه ی دنیا هم کسی که تحصیلات خود را کامل می کند لزوما توانایی مداوای بیماران را ندارد.

درباره ی دانش فرد پیش از مراجعه به هومیوپات نیز این نکته بسیار مهم است که هر آدمی باید دانشی در حد ابتدایی درباره ی هومیوپاتی داشته باشد، چون یکی از دردسرهایی که پزشکان هومیوپات برای درمان دارند، تصورات گروهی از بیماران است که فکر می کنند درمان هومیوپاتی باید بر اساس همان اصول پزشکی رایج جلو برود و هنگامی که آن اصول را در هومیوپاتی

نمی بینند، گیج می شوند و درمان را رها می کنند! چه بسا فکر می کنند که درمان یا این سیستم غلط است. توصیه من این است که بیمار علاقمند به هومیوپاتی، حتما مطالعه کند و درباره ی ساختار و اصول این درمان اطلاعاتی داشته باشد. مثلا در پزشکی رایج، وقتی بیمار دارو می خورد انتظار دارد نتیجه ی آن را سریع ببیند، اما در هومیوپاتی کاملا عکس است؛ در هومیوپاتی گفته می شود درمان باید ملایم باشد و در دراز مدت نتایجی پایدار و ماندگار به بار بیاورد، نه نتایج سریع و مقطعی. کسی که داروی هومیوپاتی می خورد در چند هفته و حتی چند ماه نخست نتیجه نمی گیرد و اگر بر این اساس خیال کند که هومیوپاتی به درد نمی خورد ناشی از اطلاعات کم اوست. همچنین کسانی که داروی هومیوپاتی مصرف می کنند، ابتدا حالشان بدتر و علائم بیماری شان تشدید می شود؛ کسی که این اصل را نمی داند با بدتر شدن وضعیتش درمان را رها می کند در صورتی که اگر هومیوپات در مراحل اولیه ی درمان ببیند که حال بیمار بدتر شده علامت بسیار خوبی برای اوست. این آگاهی حتی در این جهت می تواند باشد که فرد بداند به کدام هومیوپات مراجعه نکند. چه بسا یک هومیوپات که مانع بهبود فرد می شود. سیستمی که بنیانگذار این روش توصیه کرده این است که فقط یک نوع دارو برای بیماری تجویز شود که ممکن است یک یا چند نوع بیماری داشته باشد؛ ولی در سیستم هومیوپاتی مدرن برای هر بیماری یک دارو داده می شود، این روش به مرور زمان و با دستکاری هومیوپاتی کلاسیک بوجود آمده و مورد تایید هومیوپاتی کلاسیک نیست. پس مراجعه حتی درباره ی اصولی هم که هومیوپات باید رعایت کند نیازمند دانش است.

به نظر می رسد که انجام این تحقیقات و کسب اطلاعات کامل برای انتخاب روش درمانی هومیوپاتی و همچنین یافتن هومیوپات حاذق در ایران کار سختی باشد؟

بله؛ دقیقاً همینطور است.

روند درمان با هومیوپاتی عموماً طولانی است، برخی مواد غذایی اثر داروهای هومیوپاتی را از بین می برد و ناچار، بیمار باید به خوراک خود خیلی توجه داشته باشد، نکته ی دیگر این که امکان دارد در میانه ی درمان با روش هومیوپاتی، یک مشکل جسمی حاد مثل خونریزی، تصادف، دندان درد یا ... پیش آید و به جراحی یا مصرف داروهای شیمیایی نیاز باشد، در این شرایط، درمان هومیوپاتی بی اثر یا متوقف می شود. با وجود این عوامل، فردی که هومیوپاتی را انتخاب می کند باید چه آمادگی هایی داشته باشد؟

به نظر من درمان هومیوپاتی طولانی نیست. وقتی درباره ی «قانون ساختن» صحبت می کنم این موضوع به درمان و مقوله هومیوپاتی ربطی ندارد؛ ساختن در زندگی زمان بر است، همانطور که ساخت یک بنا چند سال طول می کشد اما در یک روز می توان آن را تخریب کرد.

این قانون هست که سرعت بیماری بسیار بیشتر از سرعت سلامتی است و کلا درمان، پروسه ی زمان بری است. اگر دنبال تاثیر مقطعی باشید بسیار سریع این اتفاق می افتد ولی ما درباره ی یک تاثیر ماندگار صحبت می کنیم که به معنی ساختن است؛ بازسازی سلامتی زمان می خواهد. این موضوع به روش درمان یا هومیوپاتی ربطی ندارد. من به روش هایی که خیلی سریع،

قوی و مقطعی جواب می دهند شک دارم. تاثیراتی که خیلی سریع و شدیدند عموماً ماندگار نیستند و هومیوپاتی نیز درباره ماندگاری سلامتی صحبت می کند.

من بر اساس اشراف بر بیمارانی که با هومیوپاتی درمان شده اند می گویم که با توجه به شدت و وخامت بیماری آن ها، درمان شان بسیار سریع بوده است. حالا چرا به نظر کند می آید؟ چون ما تا به حال فقط جسم و خلق و خوی انسان را شناخته ایم و انسان را تنها در این دو بعد خلاصه کرده ایم ولی در هومیوپاتی متوجه می شویم که انسان، بعد سومی هم دارد. زمانی که بیمار می شود این سه بعد با هم بیمار می شوند. مثلاً بیمار فقط می بیند که مشکل تیروئید دارد، اما هومیوپات می بیند که او مشکل تیروئید دارد به اضافه خودخوری، اعتماد به نفس پایین، بدخوابی یا بغض دائمی و خیلی علائم دیگر که حتی خود بیمار نام آنها را بیماری نمی گذارد یا به وخامت و عمق بیماری اش اشراف ندارد. اگر دستگاهی وجود داشت که عمق و شدت حقیقی بیماری را در یک انسان نشان می داد، می توانستیم قضاوت درستی داشته باشیم که آیا واقعا سرعت این نوع درمان کند است؟ باید ببینیم که هومیوپاتی چه فاجعه ای را با چه سرعتی درمان می کند، بعد درباره ی سرعت یا کندی آن می توانیم قضاوت کنیم. درمان هر بیمار بر اساس وخامت و شدت بیماری اش، زمان متفاوتی می برد. یک نفر ممکن است بعد از یک ماه درمان شود، اما در بیماری های شخصیتی یا خلق و خویی شدید مثل دو قطبی، اسکیزوفرنی و ... بیمار ممکن است هفت یا هشت سال تحت درمان باشد.

درباره پرهیز از موادی مثل سیر، سرکه، نعنا، قهوه، عرقیجات گیاهی و ... چون خود این مواد محرک هایی بسیار قوی هستند و با درمان هومیوپاتی تداخل دارویی ایجاد می کنند باید از آنها پرهیز شود. بخشی دیگر از پرهیزها داروهای شیمیایی را در بر می گیرد چون تاثیر داروهای هومیوپاتی را ضعیف می کنند و گاهی از بین می برند و ناگزیر از مصرف دوباره ی دارو می شویم. مثلاً اگر کسی جراحی داشته و بیهوشی کامل گرفته، توصیه می شود که چند هفته بعد، وقتی ماده بیهوشی از بدن خارج شده، داروهای هومیوپاتی تکرار شود. در این شرایط، فرد به عقب بر نمی گردد و روند درمان هومیوپاتی اش ادامه می یابد. البته بیمارانی که در حال مصرف داروهای شیمیایی هستند، برای شروع درمان هومیوپاتی، به آنها توصیه نمی شود که داروهای شیمیایی را قطع کنند بلکه با بازگشت و بهبود سلامتی و به توصیه ی پزشک، داروهای شیمیایی به مرور قطع می شود. اگر کسی تحت درمان هومیوپاتی باشد و مشکلی حاد و اورژانسی برایش پیش بیاید، (در برخی از کشورها) می تواند به بیمارستان های هومیوپاتی مراجعه کند و مشکل پدید آمده را با روش هومیوپاتی درمان کند. حتی در ایران نیز اگر بیمار به بستری شدن نیاز نداشته باشد، در مواردی مانند خونریزی، شکستگی یا تصادف، پزشکان هومیوپاتی می توانند داروهای حاد تجویز کنند. حالا اگر بیمار به پزشک هومیوپات و داروهای آن دسترسی نداشته باشد، در شرایط حاد می تواند هرگونه اقدام پزشکی را که باعث بازگشت به حیات او به حالت ثبات نسبی باشد انجام دهد و بعد از مدیریت بحران، درمان هومیوپاتی را ادامه دهد.

**مادر شما یک بیماری سخت پوستی داشته که با روش هومیوپاتی درمان شده است، درباره تجربه خودتان از درمان با این روش بگویید.**

مادر من سه بیماری شدید داشت که یکی از آن ها بیماری حاد پوستی بود معروف به «صدف» (پسوریازیس) که برای درمان آن، پنج سال تحت درمان هومیوپاتی قرار گرفت. البته بیماری «صدف» بعد جسمی مشکلات او بود و در ابعاد دیگر، بیماری هایی داشت که تمام آن مجموعه در مدت پنج سال درمان شد. مادر من سال ها تحت درمان شیمیایی بود و برای درمان به



خیلی از کشورها سفر کرد و پزشکان می گفتند بیماری اش درمان ندارد و باید با آن مدارا کند؛ اما بعد از آن که زیر نظر یکی از شاگردان دکتر ناصری، یک دوره داروی هومیوپاتی خورد و درمان شد، الان حدود ۱۸ سال است که دیگر داروی هومیوپاتی نمی خورد و بیماری هم برنگشته است، ضمن اینکه دچار بیماری دیگری هم نشده است.

### هومیوپاتی به درد چه کسانی می خورد؟

در هومیوپاتی جمله ای هست که بسیار زیبا، ترسناک و عمیق است و آن اینکه «انسان کاملاً سلامت وجود ندارد». توصیه من این است که حتی آن آدمی که خودش فکر می کند سلامت است، هومیوپاتی را انجام دهد. بنابراین از کسی که مبتلا به وخیم ترین بیماری های روحی و جسمی است تا کسی که فکر می کند سلامت است می تواند تحت درمان هومیوپاتی قرار گیرد؛ به شرط آن که پیش از شروع این درمان، اطلاعات کامل داشته باشد و تحت نظر هومیوپات متخصص قرار گیرد. با این دو شرط بیمار می تواند در مسیر سلامتی حرکت کند.

توصیه ی شخصی من این است که درباره ی هر موضوعی (نه فقط هومیوپاتی) بر اساس مطالعه ی چند مقاله و کتاب قضاوت نکنیم. خوب است یاد بگیریم که بدون غرض و در جهت رشد قدرت تفکر حرکت کنیم و صرفاً به فکر رد یا تایید نباشیم، این فقط درباره ی هومیوپاتی نیست، بلکه درباره ی هر موضوعی صدق می کند. همچنین لازم است که نسبت به یک موضع خاص، وقتی نسبت به آن اشراف داریم، تعصب به خرج ندهیم.

**دو نکته:** فلسفه و دانش هومیوپاتی زندگی مرا متحول کرد و دیدگاهم را به انسان ها، رفتارهای آن ها، روش زندگی و ... تغییر داد. به همین دلیل قدردانی می کنم از هانمن، بنیانگذار هومیوپاتی، کسی که با معرفی این دانش به جهان بیماران بی شماری را درمان کرد. در درجه ی بعد، از دکتر مسعود ناصری سپاسگزارم که استاد من است و من بخش زیادی از هومیوپاتی را از ایشان یاد گرفتم، هنوز هم زیر نظر ایشان آموزش می بینم و قدردان ایشان هستم چون این علم را به ایران آورد. الان تعداد زیادی از پزشکان و هومیوپات ها هستند که در ایران کار می کنند، جایگاهی را که امروز هومیوپاتی در ایران دارد، مدیون زحمت های دکتر ناصری است. البته من قدردان اساتید دیگرم نیز هستم.

ضمناً برخلاف تصور رایج که معتقد است هومیوپاتی در ایران عقب افتاده است، به نظر من اینطور نیست. ایران در زمینه ی آموزش هومیوپاتی خیلی فعالیت می کند. پزشکان زیادی داریم که به روش هومیوپاتی در ایران درمان می کنند، کتاب های زیادی در این زمینه منتشر شده و در مقایسه با دیگر کشورها، ایران خیلی عقب نیست؛ ولی شیوع و فراگیری هومیوپاتی در ایران اتفاق نیفتاده است که این موضوع نیز منحصر به ایران نیست. این علم در دنیا هنوز علمی نوین است. ضمن این که مدام تحریف ها و سلايق شخصی به آن وارد می شود که آسیب می زند.